



حجة الاسلام والمسلمین
موسوی خوئینی ها

دستاوردهای انقلاب اسلامی

۲ - حضور مردم در صحنه

۳ - نبرد بی وقفه با آمریکا

۴ - ارائه شیوه جدید مبارزاتی

مواجه شدن با آنان " فرد " را به بینی ، خیل انسانی که همه جا هستند ولیکن با تعینات زندگی و اجتماعی ، جا را بر دیگران تنگ نکرده اند ، انسانی که در سیر تکاملی بنی آدم بیشترین رنجها را کشیده اند و از غنائم مادی جنگ انسان با طبیعت کمترین سهم را برده اند و
" صحنه " : معرکه نبرد انسان با شیطان ، حق با باطل ، موسی با فرعون و قارون و بلعم ، میدان درگیری با نفاق ، با شرک ، با اجنبی ، با غارتگری ، میدان حمایت از مظلوم ، از ارزشهای انسانی - الهی ، از نیروهای درگیر با عوامل شیطان ، صحنه

" حضور " : در مقابل " غیاب " شاهد حادثه با امری بودن و سیر و جریان حوادث را زیر نظر گرفتن و کسب آگاهی عینی از ابعاد مختلف رویدادها در مراحل تکوین و پس از آن ، و با چنین حضوری مانع شدن از پیدایش هر عنصری که در شرائط " غیبت " می تواند اظهار وجود نماید و نیز با چنین حضوری بهنگام اعلام نظر ، آگاهانه رای - دادن .

" مردم " : توده های عظیم انسانها که هستند و در عین بودن هیچ فردی از آنان با اختصاص دادن بخشی از حقوق دیگران ، خود را ممتاز نساخته است که بتوانی هنگام

انقلاب اسلامی شکوهمند و پیروز که از ایران آغاز شد با عبور از دروازه خونین بیست و دوم بهمن پنجاه و هفت ، طرحی نو در جهان معاصر در انداخت و دستاورد - هائی نیز به همراه داشت که ما در پی برشمردن برخی از آنها بودیم و از وحدت شروع کردیم و اکنون دنباله آن :

دوم : " حضور مردم در صحنه " :

برای پی بردن به عمق این دستاورد عظیم که ضامن تداوم انقلاب است ابتدا مفهوم هریک از عناصر تشکیل دهنده آن یعنی " حضور " و " مردم " و " صحنه " را بررسی میکنیم .

سیاست، صحنه رای، صحنه جنگ، صحنه اقتصاد و هر صحنه‌ای که با سرنوشت جامعه سر و کار دارد.

در رژیم گذشته، در ایران و امروز در اکثر نقاط جهان، طاغوت‌های حاکم، صحنه‌را در غیبت کامل مردم نگهداشته‌اند.

در صحنه سیاسی جهان در دل کاخهای سفید و سرخ و در سازمان ملل و... میدان ترکتازی همه نیروهای ضد مردمی است که علیه مردم و در غیبت مطلق آنان تصمیم می‌گیرند و با هم به توافق می‌رسند. در صحنه اقتصادی قارون‌های زمان، تراستها، کارتلها شرکت‌های چند ملیتی و ثروتمندان افسانه‌ای زمان تصمیم گیرندگان تولید و توزیعند و طبیعت و مواهب الهی این جهان را بر اساس هوسهای شیطانی به بازی گرفته‌اند و خیل عظیم توده‌های انسانی در سراسر زمین، در دل دریاها، در اعماق زمین و کوهها، در پوشیده جنگلها، در کارخانه‌ها و در صدها نقطه دیگر در سخت‌ترین شرایط جانگاہ کار می‌کنند و جان می‌کنند و اما نمی‌دانند چرا در صحنه‌های نظامی، اینجا و آنجا جنگ است، کشتار است، آتش و دود است، ویرانگری و غارت است، تهیسه و

ذخیره پر قدرت‌ترین سلاح‌های مخسرب و کشته شده است و اما تصمیم گیرندگان، صاحبان عظیم‌ترین کارخانجات صنایع نظامی هستند تصمیم گیرندگان، سلطه‌جویانی هستند که به قیمت نابودی مردم اقتدار خویش را می‌جویند، آدمکشان حرفه‌ای و بین‌المللی. در صحنه‌های علمی و هنری و فرهنگی و صحنه اجتماعی و خلاصه در نقاط مختلف میدان زندگی، تصمیم گیرندگان نهائی غیر مردمند و مردم در غیبت کامل از این میدانها و صحنه‌ها بسر می‌برند و غم‌انگیز تر از اینهمه، ترازوی مبارزات به اصطلاح ضد امپریالیستی در اینجا و آنجا جهان است که مردم قربانی بازی قدرت می‌شوند.

و اما انقلاب اسلامی در تمامی این زمینه‌ها مردم را به صحنه آورده است آنجا که رژیم دست نشانده شاهنشاهی با تمامی قدرت خویش به جنگ مردم آمده بود، آنجا که پس از سقوط چنین رژیم پایه گذاری حکومت جدید مطرح بود، آنجا که در هر کوی و برزن جستجو از پس مانده‌های رژیم گذشته بود، آنجا که دژ مستحکم دشمن یعنی لانه جاسوسی آمریکا سقوط کرده بود، و با آنجا که دشمن به محاصره اقتصادی

دست می‌زند، و با تحریک به حمله نظامی می‌کند و ارتش مهاجم وارد مبین اسلامی می‌شود، آنجا که گروهکهای الحادی و پسا اسلامنا اعلام جنگ مسلحانه می‌کنند، آنجا که اشغال کننده عالیترین مقام بعد از مقام رهبری، آهنگ خیانت به است و آرمانهای انقلاب می‌کند، آنجا که ضد انقلاب با تحریک و اغتشاش، تحصیل کارخانجات را تصمیم می‌گیرد، آنجا که رفتن به پسا، صندوقهای رای ضرورت پیدا می‌کند، آنجا که دشمن در یک لحظه هفتاد و دو قربانی از ملت می‌گیرد - که در میان آنان جمعی از زهدگان و بعضی از برجسته‌ترین چهره‌های کشور هستند و همگی یکجا بجوار قرب خدا میروند - آنجا که رئیس جمهوری و نخست وزیر یکجا طعمه آتش خشم ضد انقلاب می‌شود آنجا که دانشگاهها ناهم‌آهنگ با انقلاب می‌شود و آنجا که سازندگی روستاها و ترمیم خرابیها لازم می‌شود و در همه جا انقلاب مردم را به صحنه می‌کشاند. اگر حضور مردم، یعنی توده‌های عظیم ملیونی در صحنه نباشد مسئولین رسمی کشور در برابر تهدیدهای شکننده دشمنان متحد شکست می‌خورند.

حضور مردم در صحنه یعنی تراکم ملیونها اراده انسانها، تمرکز آگاهیهها و شناخت ملیونها انسان از شرایط بی‌شماری که عوامل و علل تشکیل دهنده پدیده‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و... هستند، در صحنه‌ای که مردم در همه جا حاضرند دشمن از هیچ نقطه‌ای قدرت حمله شکننده ندارد چنین حضوری تداوم یک حرکت انقلابی را تضمین می‌کند، چنین حضوری هم به مسئولین نیرو می‌دهد و هم جهت، و هم در هر یک از آنان اگر انحرافی پدید آمد مردم قاطعانه و سریع تصمیم می‌گیرند، همه چیز را زیر نظر دارند با چنین حضوری مسئولین نمی‌توانند چیزی را از مردم پنهان کنند (آن داستان معروف الجزیره و برزیل را که شنیده‌اید)، با چنین حضوری هر جریان انحرافی - هر چسبیده - بسرعت افشا و منزوی و نابود





می شود (پس از پیروزی انقلاب در کمتر از چهار سال بسیاری از جریاناتی که سالیان دراز در زمان غیبت مردم از صحنه توانسته بودند در پرده تزویر و ریا ادامه حیات بدهند افشا و منزوی و یا نابود شدند) ، با حضور مردم در صحنه انسانیهای صالح و طایفه مند می شوند که مسئولیت بر عهده بگیرند که علی - علیه السلام - فرمود :

" لولا حضور الحاضر و قیام الحجه "

" بوجود الناصر لا لقیته حبلها "

" علی غار بها "

حضور مردم در صحنه آنچنان نیروی عظیم و غیر قابل پیش بینی ایجاد میکند که هرگونه محاسبه و معادله محافل رسمی و حرفه ای سیاسی ، نظامی و اقتصادی را بهم می ریزد و دشمن را غافلگیر می کند ، و در یک سخن حضور مردم در صحنه یعنی :

" نمایش قدرت لایزال الهی "

سوم : " خشم " و کینه ملت نسبت به خطرناکترین دشمن انسان معاصر یعنی آمریکا صحیحتر آنست که بگوئیم شناختن خطرناکترین دشمن انسان معاصر یعنی آمریکا و خشم و کینه نسبت به او ، زیرا مهر و کین بر اساس معرفت ارزشمند است ، و اما چرا این شناخت ، و خشم منبعت از آن را یکی از دستاوردهای انقلاب می دانیم و چرا این دستاورد مهم است ؟

در تاریخ ملتها همواره یکی از عوامل شکست در مبارزات آنان عدم شناخت کافی از دشمن و یا دشمن اصلی است که در نتیجه این عدم شناخت ، دشمن اصلی خود را از زیر ضربات انقلاب بیرون می کشد و غیر - دشمن و یا دشمن غیر اصلی را بجای خود می نشاند و ناگهان با اغتنام فرصت در لحظه مناسب ضربه را به اصل انقلاب وارد می کند .

قرآن خطاب به انسانها و یا ملت های شکست خورده می گوید :

" اَلَمْ اَعٰهَدْ لَکُمْ یٰ اٰیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا " " اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ "

امروز ملت های مستضعف جهان و بالاخص مسلمین بخوبی دریافته اند که خطرناکترین دشمن بشریت معاصر ، شیطان

امروزی آمریکا است که شوژی را هم فریب داده است .

پوستین ، مذهب قلابی را مورد حمله قرار می دادند و جمعی ، برادران سنی را دشمن می دانستند و آنان را بدتر از اسرائیل می خواندند و جمعیت های دیگری که هر کدام به چیزی حمله می کردند جزبه شاه و اربابش آمریکا !

آشفته بازاری بود و هر کس مشتریان بیشتری دست و پا می کرد که امام ، این مشعلدار انقلاب ، بر سر همه این مدعیان فریاد زد که : بر سران قوم است که مردم را از راهی که یافتانند منحرف نکنند و آنان را در آن راه همراهی نمایند و بدانند که نقطه

یعنی ملت شکست و سقوط شاه عدم معرفت و اعتقاد ندانستن به دشمنی شیطان و دشمنی آشکار وی می باشد که بجای مبارزه و درگیری با این دشمن ها و را دوست گرفتید و از وی اطاعت کردید .

ملت ایران بیاد دارد مدعیانی را پیش از پیروزی انقلاب و پس از آن که تلاش می کردند - آگاهان و یا ناآگاهان - هر چیزی را جز آمریکا و عامل اصلیش شاه دشمن جلوه دهند ، جمعی دست بگیران دولت های دست نشانده شاه بودند ، جمعی گروهک منحرف سیاسی پنهان شده در



هیچ کس در ایران جرأت دم زدن از

دوستی با شیطان بزرگ آمریکا را ندارد و آنان که این
اشتباه را مرتکب شدند افتادند و دیدند سزای خویش

که این هم از معجزات این باصطلاح دشمن
امپریالیست‌هاست !!!!!! ...

در ناتوانی شوروی در دشمنی با انقلاب
همین بس که به منشی جاسوس - که گویا
برای شوخی و تفریح در قالب یک گروهک
سیاسی در آمده‌اند - دل بسته است که
اخیرا هم بازی خوبی با رقیب آغاز کرده‌اند
که آن خود داستان دیگری است، داستان
دوست تراشیدن برای انقلاب! آیا آمریکا
دشمن اصلی است یا شوروی مارکسیست،
اصولا مارکسیسم در نظام شاهنشاهی برای
ملت ایران خطرناک بود یا در نظام اسلامی؟
آیا نظامهای متعفن وابسته به غرب آمریکا
سبب رشد مارکسیسم می‌شوند؟ یا نظام
جمهوری اسلامی که با ارزشهای الهی و با
موضعگیریهای قاطع در برابر آمریکا مارکسیسم
را حتی در داخل کشورهای مارکسیستی
بی اعتبار کرده است؟ آیا دیروز شوروی
برای ایران خطر بود که اسلام دربند نظام
شاهی بود و همه قلمها و زبانهای در
خدمت اسلام، شکسته و بریده بود و دسته
دست فرزندان اسلام به دامن مارکسیسم
می غلطیدند یا امروز که اسلام، دشمن رادر
چنان تنگناهای قرار داده که بناچار بی‌هیچ
ترین و مهمترین حادثه تاریخ معاصر را انکار

می‌نماید برای اینکه در تحلیل خود شک
نکند؟! دیروز شوروی خطرناک بود که این
قدرت به اصطلاح ضد امپریالیست حتی
یکبار از حلقوم مردم ایران در کشور وابسته
به امپریالیست، شعار مرگ بر شوروی بگوش
نرسید و ... و ... شاید در این زمینه
اینمقدار توضیح لازم نبود ولیکن خواستم
که روشن شود دشمن شناسی آنهم دشمن
اصلی کارچندان آسانی نیست - مرد حق
می‌خواهد و شمع طریق - ولی این مشکل را

این جمع - یا آگاهانه و یا مغرضانه
نمی‌خواهند فرق بگذارند بین دشمنی که
می‌تواند دشمنی کند و برای ضربه زدن -
پایگاههای فراوانی در داخل کشور دارد و
او است دشمن اصلی و خطرناک، و بی‌سن
دشمنی که رسوائیش در کشورهای اسلامی
کمتر از آن بزرگ نیست که همه جای پیداست
مقصودم روسیه است، دشمنی که هر گاه به
گروهکی در داخل دلخوش می‌کند، ناگهان
همان گروهک، آمریکائی از آب در می‌آید،

اصلی همه جنایات امروز، شخص شاه است.
و امروز یعنی پس از پیروزی انقلاب نیز
جمعی هستند که بر خلاف فریادهای مکرر
رهبر پیروز و آگاه ملت که می‌گوید امروز
"دشمن اصلی آمریکا است"، "آمریکا
شیطان بزرگ است"، "همه قلمها و تفنگها
بطرف آمریکا"، و "هر چه فریاد دارید بر
سر آمریکا بزنید"، سعی می‌کنند غیر آمریکا
را دشمن اصلی جلوه دهند که بتوان ضربه
زدن ندارد و یا ضعیف است.

انقلاب اسلامی ثابت کرده که شهادت در مظلوعیت و مقاومت در شهادت از جنگهای پارتیزانی شهری و روستائی موفقتر است .

انقلاب برای امت حزب الله و پیروان خط امام حل کرد نه تنها برای ملت ایران که امروز ملت های مستضعف جهان و بالاخص مسلمین بخوبی دریافته اند که خطرناکترین دشمن بشریت معاصر، شیطان بزرگ آمریکا است که شوروی را هم فریب داده است. انقلاب این دشمن را به ملت ایران معرفی کرد و خشم این دشمن را در دل فرد فرد نزدیک به چهل ملیون انسان جا داد و تا آمریکا این شیطان بزرگ هست هیچکس در ایران جرات دم زدن از دوستی با آمریکا را ندارد و آنان که این اشتباه را مرتکب شدند افتادند و دیدند سزای خویش. در پایان این فراز، این نصیحت امام را به اولین رئیس جمهوری ایران در حالیکه در بستری بیماری در بیمارستان وی را بحضور پذیرفته بود می آورم که :

مواظب باش که این ملت شهادت دشمن آمریکا هستند چرا که از او بسیار صدمه دیده اند و اگر احساس کنند کمترین تمایلی به آمریکا پیدا کرده ای تو را ساقط خواهند کرد. و آمریکا و دلباختگانش دیدند گشته چنین بود.

چهارم : ارائه شیوه های نواز مبارزات مردمی و تاکتیگهای آن به نیروی انقلابی معاصر :

یکی از حیوت انگیزترین حوادث سیاسی - انقلابی تاریخ معاصر، پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر حکومت نیرومند شاهنشاهی و وابسته به آمریکا است چرا حیوت انگیز؟ زیرا که آمریکا با مطالعه و تجرب فراوان، بر تمامی شیوه های رایج مبارزات خلقها فائق آمده بود، همچنانکه در ایران قبل از اوج انقلاب اسلامی - مردمی همه گروهکهای مخالف رژیم شاه حتی چپترین آنها را با همه علوم مبارزاتی شان مهار کرده بود و در

بسیاری از نقاط جهان هنگامی از صحنه درگیری با نیروهای مخالف کنار می رفت که آنها را صد در صد وابسته به بر قدرت دیگر نموده بود که پس از پایان درگیری آغاز مصالحه با رقیب اصلی بر سر همان کشور بظاهر پیروز فرا می رسید .

در میان همه ملت های جهان یکی از این دو راه رفتنی بود : یا قبول سلطه آمریکا و مبارزه با آن ولی در پناه قدرت مقابل، و پایان هر دو راه قبول و تحمل وابستگی به یکی از دو قدرت بزرگ جهانی بود، و این بود داستان غم انگیز ملت ها و انقلابیون آنان، و اما انقلاب اسلامی ایران تجربه - ثمری شو آفرید، نشان داد که چگونه می توان در برابر آمریکا ایستاد در حالیکه کمترین گزایشی به شرق نداشت، نشان داد که با ایدئولوژی تزویر نمی توان بجنگ با ایدئولوژی زود و زود رفت، نشان داد که گرفتاری انسان تنها اسارت در چنگال سرمایه داری غرب و آمریکا نیست بلکه گرفتاری اصلی قطع پیوند با غیب مطلق و مبدء وجود است نشان داد که امروز تنها انقلاب پیروز علیه استکبار جهانی بسرکردگی آمریکا انقلاب منکی بر ایدئولوژی اسلام و بروحی است، نشان داد تنها راه مبارزه با آمریکا بدون وابستگی به شرق تکیه بر ارزشهای است که ریشه در عمق وجود انسان از آغاز تاریخش تا به امروز دارد که می تواند توده ها را به میدان مبارزه بکشد و تنها، شیوه هایی که توده های ملیونی در میدان مبارزه بکار می گیرند شیوه های کار آمد و موفق است، انقلاب ایران ثابت کرد که شهادت در مظلوعیت و مقاومت در شهادت از جنگهای پارتیزانی شهری و روستائی (- که معلوم

نیست و یا هست که سلاحش از کجا باید تامین شود) موفق تر است (اگر آن شیوه ها در بعضی از موارد توفیقی داشته باشد) ، انقلاب ایران نشان داد که تبلیغ پیامبران برای انقلاب و مردم به مراتب موثرتر است از تبلیغ مسلحانه یعنی ترور و تخریب و انفجار که دولتهای مرتجع و ضد مردمی هم میتوانند از این شیوه ها علیه بکدیگر برای وارد آوردن فشار بر رقیب استفاده کنند، شیوه رهبری در این انقلاب و چگونه بودن شخصیت رهبر خود تجربه جدیدی به ملت ها می آموزد که از این پس چه کسی و بانگ چه بر چه ارزشهایی می تواند توده ها را به میدان جهاد بکشد و ارکان بزرگترین قدرت جهانی را به لرزه در آورد، انقلاب ایران نشان داد که در مسیر مبارزه چگونه می توان اصالت را برای انسان حفظ نمود و انسان را فدای هیچ آرمان دیگری حتی قربانی پیروزی در مبارزه اش نکرد، در انقلاب ایران هدف نفس مبارزه و جهاد بود نه پیروزی بر دشمن که پیروزی نفس جهاد و انجام این وظیفه الهی - انسانی بود، و این هدفگیری یعنی بهترین اصالت را به خود انسان دادن و ثابت شد که این شیوه در هدفگیری یک حرکت انقلابی کارآمدتر و بر قدرت تر است تجربه انقلاب ایران نشان داد که پیام انقلاب باید همعاشق جامع را در برگرد و طرف خطابش یک طبقه خاص نباشد که تفکر طبقاتی، ناشی از اعتقاد به تقسیم بندی انسان است با فصل ممیزی خارج از وجود وی و این یعنی اصالت را به غیر انسان دادن، اینها و دهها تجربه دیگر است که انقلاب ایران به بشر معاصر در راه مبارزه با استکبار جهانی بسرکردگی آمریکا ارائه می دهد .

ادامه دارد